

تحدید امنیت غذایی با گفتار درمانی!



وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

دولت فهرستی از «پنج خبر خوب» برای نیمه دوم مهرماه امسال منتشر کرده است. در میان این اخبار، «تسویه کامل مطالبات گندمکاران» هم قرار دارد و اگر صحت چهار خبر دیگر هم در همین سطح باشد، باید نگران شد از کسانی که بنا دارند با خبرساز ی و گفتار درمانی کشور را اداره کنند. پرداخت مطالبات گندمکاران نه لطف دولت است و یک دولت در قبال تولیدکنندگانی است که ستون امنیت غذایی کشورمان هستند. وقتی گندمکار ماه‌ها منتظر است تا دسترنجش را دریافت کند، دیگر نیازی به تبلیغات و خبرساز ی نیست. این، همان نقطه‌ای است که امنیت غذایی را از درون تهی می کند و به خطر می اندازد.

در ظاهر، اعلام تسویه بدهی به کشاورزان نشانه‌ای از سامان اقتصادی است، اما واقعیت پشت ماجرا چیز دیگری است. بسیاری از کشاورزان، ماه‌هاست از دریافت کامل بهای گندم خود محروم مانده‌اند. برخی با قرض و وام سر کرده‌اند تا بذر و کود فصل بعد را تهیه کنند، برخی دیگر اصلا عطای کشت گندم را به لقایش بخشیده‌اند، بنابراین امنیت غذایی با شعار و تبلیغات نادرست محقق نمی‌شود. اگر کشاورز احساس کند حاصل زحماتش در سایه بی‌توجهی اداری یا تأخیرهای چندماهه به باد می‌رود، اولین نتیجه‌اش کاهش سطح زیر کشت است. در سال‌های اخیر، بارها شاهد بوده‌ایم که دولت‌ها در بحبوحه بحران ارز یا نوسان قیمت جهانی، از کشاورز خواسته‌اند با «صبر و همراهی» پیش برود، اما همین دولت‌ها در عمل، بدهی‌ها را با تأخیر پرداخت یا نرخ خرید تضمینی را به شکلی تعیین کرده‌اند که حتی هزینه‌های واقعی تولید را پوشش نمی‌دهد.

وقتی دولتی خبر پرداخت بدهی قانونی خود را در قالب «خبر خوب» منتشر می‌کند، یعنی استانداردها آنقدر پایین آمده است که انجام وظیفه، به جای آنکه بدهیی تلقی شود، دست‌آورد جلوه می‌کند. این همان گفتار درمانی خطرناکی است که مدتی است در فضای اقتصادی کشورمان رواج دارد اما امید کاغذی فقط تا زمانی دوام دارد که مردم در واقعیت چیزی حس نکنند. برای گندمکار خستهای که پس از ماه‌ها زحمت، هنوز نمی‌داند پولش چه زمانی پرداخت می‌شود، هیچ تیترو خوش‌رنگی نمی‌تواند انگیزه ایجاد کند. اگر از نگاه سیاستگذار به موضوع بنگریم، بی‌توجهی به مطالبات گندمکاران در واقع بی‌توجهی به امنیت ملی است. در کشوری که بیش از ۵۸میلیون نفر جمعیت دارد، هر خلیی در زنجیره تولید گندم می‌تواند تبعاتی بسیار گسترده‌تر از صرفاً افزایش قیمت نان داشته باشد. وقتی کشاورزان از کشت گندم رویگردان شوند، کشور ناچار است برای تأمین نیاز داخلی به واردات متوسل شود. این وابستگی، آن هم در شرایط تحریم و محدودیت ارزی، به‌معنای قرار دادن امنیت غذایی در گرو سیاست خارجی است. به زبان ساده‌تر، گندم ابزاری برای فشار سیاسی می‌شود، بنابراین برای فاصله گرفتن از این وضعیت، باید پیش از هر چیز به بازسازی اعتماد میان دولت و کشاورزان اندیشه شود، چه آنکه تیترو سازی و وعده‌های رسانه‌ای نمی‌تواند کاری از پیش ببرد.

در این میان، تضاد گفتار و واقعیت در سیاست کشاورزی، از همیشه آشکار تر شده است. حمایت بی‌سابقه «سخن می‌گویند، اما در عمل، بودجه‌های تخصیص یافته به‌خريد تضمینی گندم یا یارانه نهاده‌ها با تأخیر و کسری مواجه می‌شود. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد بسیاری از کشاورزان برای خرید بذر و کود، ناچارند از بازار آزاد و با قیمت‌هایی چند برابر نرخ مصوب تهیه کنند، در نتیجه هزینه تولید هر کیلو گندم از درآمد واقعی فروش آن بیشتر می‌شود. وقتی کشاورز در هر فصل منتظر می‌شود، هیچ سیاست تشویقی قادر نیست او را در زمین نگه دارد.

در چنین فضایی، ادبیات رسمی دولت رنگی از تناقض دارد. از یک سو، وعده می‌دهد امنیت غذایی را خط قرمز خود می‌داند و از سوی دیگر، با تأخیر در پرداخت‌ها یا تعیین نرخ‌های غیرمنصفانه، همان خط قرمز را کم‌رنگ می‌کند. «گاهی حتی می‌شنویم که مسئولان، ناراضیانی کشاورزان را «سیاسی» تعبیر می‌کنند، گویی مطالبه دریافت دستمزد بحق، اقدامی علیه دولت است! این نوع نگاه، نه تنها عادله، بلکه فاضل‌ناک است، چون فاصله میان تصمیم گیر و تولیدکننده را عمیق‌تر می‌کند.

اما چرا این اتفاق‌ها تکرار می‌شود؟ پاسخ را باید در نوع نگاه حاکم به اقتصاد کشاورزی جست. برای بسیاری از مدیران، کشاورزی هنوز بخشی کم‌سود و پرهزینه است که صرف‌ا در زمان بحران اهمیت پیدا می‌کند. در روزهای آرام، بودجه و برنامه‌ها به سمت صنایع پرزرق‌وبرق یا پروژه‌های عمرانی می‌روند، اما به محض کمبود نان یا افزایش قیمت آرد، همه به یساد گندمکاران می‌افتند و از آنان می‌خواهند «اجرت مالی» کشت را افزایش دهند. این نوسان در سیاست و بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری، عملاً امنیت غذایی را به بازی گرفته است.

در این میان، رسانه دولت نیز به جای تاب‌باز واقعیت، اغلب در خدمت تزئین خبرها قرار می‌گیرند. گزارش‌های پرزرق‌وبرق از «واقعیت در پرداخت مطالبات» منتشر می‌شود، بی‌آنکه اشاره‌ای به تأخیر چندماهه یا ارزش واقعی پول در زمان دریافت‌ها داشته باشند. گندمکاری که ماه تیر منتظر پول خود بوده و مهر آن را دریافت کرده، در واقع بخشی از آدمش را در تورم از دست داده است. او شاید روی کاغذ پولش را گرفته باشد، اما در واقع بخشی از دارایی‌اش تبخیر شده است. این همان جایی است که گفتار درمانی، به جای درمان درد، آن را مزمّن می‌کند، با این حال هنوز فرصت برای اصلاح باقی است.

اگر سیاستگذاران به جای تمرکز بر تبلیغ و «خبر خوب»، به اصلاح واقعی زنجیره خرید و پرداخت توجه کنند، می‌توان بخشی از اعتماد از دست‌رفته را بازسازی کرد. ایجاد سامانه‌های شفاف برای پرداخت مطالبات، تعیین نرخ خرید بر اساس هزینه واقعی تولید و پرداخت به‌موقع بهای گندم، سه گام ساده اما حیاتی است که می‌تواند آینده امنیت غذایی کشورمان را تضمین کند. مهم‌تر از همه، باید درک شود که امنیت غذایی تنها در انبارهای غله شکل نمی‌گیرد، به‌شدنش در دل و ذهن کشاورزی است که احساس کند نظام، قدر زحماتش را می‌داند.

تجربه کشورهایی که مسیر خود کفایی را پیموده‌اند، نشان می‌دهد موفقیت در این حوزه تنها زمانی پایدار است که دولت به جای شعار، شراکت واقعی با کشاورزان ایجاد کند. شاید وقت آن رسیده است که مسئولان به جای جشن گرفتن انجام وظیفه، به کیفیت اجرای آن بپردازند.

امنیت غذایی با تیترو و هشتنگ به دست نمی‌آید. باید به گندمکارطمینان داد که محصولش (نان مردم) در اولویت واقعی است، هر بار که دولت در پرداخت بدهی تعلل می‌کند، در واقع پیمایی می‌فرستد که «زحمت تو برای ما اولویت ندارد» و این پیام، هر چند در ظاهر اقتصاد است، اما در باطن، خارا می‌دهد. هر هنگی است. جامعه‌ای که کار مولد را بی‌ارزش جلوه دهد، دیر یا زود طعم وابستگی را خواهد چشید. گفتار درمانی نباید موقتاً آرامش بیاورد، اما درمان درد کشاورز نیست، آنچه کشور را نجات می‌دهد، عمل به وظایف است.

گزارش زینب زرین

آمارهای رسمی از کاهش جزئی بیکاری و افت مشارکت اقتصادی خبر می‌دهند

«جوانان» بازندگان همیشگی بازار کار

گزارش مرکز آمار از وضعیت نیروی کار تابستان ۱۴۰۴ نشان می‌دهد با وجود کاهش نرخ بیکاری، جمعیت شاغل هم کمتر شده و سهم افراد غیرفعال در اقتصاد افزایش یافته است، جوانان همچنان بیشترین نرخ بیکاری را دارند



انتابل شایگان | اکوایران

سکون در بازار کاری که آرام به نظر می‌رسد، همیشه به معنای بهبود نیست. تازه ترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت نیروی کار تابستان ۱۴۰۴ تصویری دوگانه از اقتصاد کشور ترسیم می‌کند، از یک‌سو نرخ بیکاری اندکی کاهش یافته و ظاهراً اوضاع بهتر شده، اما از سوی دیگر، تعداد شاغلان کمتر و شمار افرادی که از بازار کار خارج شده‌اند بیشتر شده است. در ظاهر، بیکاری کمی پایین آمده، اما در عمق آمارها، نشانه‌هایی از رکود، ناامیدی از جست‌وجوی کار و فشار زیاد بر شاغلان دیده می‌شود. این گزارش نشان می‌دهد سبب جمعیت فعال در اقتصاد کشور کاهش یافته است و جوانان همچنان در صف انتظار اشتغال ایستاده‌اند.

■ ■ ■

تابستان امسال، بازار کار روزهای نسبتاً آرامی را پشت سر گذاشت؛ اوضاعی که شاید بیشتر به سکون شباهت داشت تا ثبات. مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده است نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در تابستان ۱۴۰۴، به ۷/۴ درصد رسیده است، یعنی از ۱۰۰ نفر فعال در بازار کار، حدود هفت نفر بیکار هستند. در نگاه نخست، این عدد می‌تواند نشانه مثبتی باشد، چراکه نسبت به تابستان سال گذشته ۰/۱ درصد کاهش نشان می‌دهد، اما وقتی به سایر شاخص‌ها نگاه می‌کنیم، تصویر چندان امیدوار کننده نیست.

کاهش نرخ بیکاری، همواره به‌تنهایی معنای رونق ندارد. اگر در همان زمان، تعداد افرادی که از جست‌وجوی کار دست می‌کشند بیشتر شود، ممکن است نرخ بیکاری پایین بیاید، اما نه به خاطر ایجاد شغل جدید، بلکه چون گروهی دیگر به کلی از بازار کار کناره رفته‌اند. در واقع، «کم شدن بیکارها» همیشه نتیجه «بیشتر شدن شاغلان» نیست. بر اساس این گزارش، نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در تابستان امسال ۴۰/۸ درصد بوده است؛ رقمی که نشان می‌دهد از هر ۱۰ نفر در سن کار، حدود چهار نفر در بازار کار حضور دارند، یعنی یا شاغلند یا دنبال کار می‌گردند، اما همین نرخ نسبت به تابستان پار سال ۰/۹ درصد کاهش یافته است. به‌عبارتی، حدود یک‌درصد از جمعیت در سن کار ترجیح داده‌اند از بازار کار خارج شوند، برخی ممکن است خانه‌دار یا دانشجو شده باشند و برخی دیگر، با یافتن کار مناسب ناامید شده‌اند.

■ **روندی آرام‌آرام نگران‌کننده**

اگرچه کاهش ۰/۱ درصدی بیکاری در ظاهر خبر

خوشی است، اما وقتی آن را کنار کاهش نزدیک به یک‌درصدی مشارکت اقتصادی می‌گذاریم، معنای دیگری پیدا می‌کند. در واقع، کاهش نرخ مشارکت معمولاً نشانه‌ای از رکود یا بی‌اعتمادی به بازار کار است. در چنین وضعی، افراد جست‌وجوی کار را بی‌فایده می‌دانند و از آمار بیکاران خارج می‌شوند، در نتیجه نرخ بیکاری پایین‌تر به نظر می‌رسد، در حالی که اشتغال واقعی رشد نکرده است. در تابستان ۱۴۰۴، جمعیت شاغلان کشور حدود ۲۴میلیون و ۹۵۸ هزار نفر بوده که نسبت به تابستان سال قبل، حدود ۱۷۱ هزار نفر کمتر شده است. به بیان ساده‌تر، تعداد کسانی که سر کار می‌رفتند، اندکی کاهش یافته است. در مقابل، جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی به حدود ۳۹میلیون و ۸۰۸ هزار نفر رسیده و بیش از یک‌میلیون نفر افزایش داشته است. این یعنی بخش قابل توجهی از جمعیت یا در حال تحصیلدن یا خانه‌دار شده‌اند یا درآمدی بدون کار دارند (مثل بازنشستگان یا مستمری‌گیران).

این روند، هشدار ی خاموش برای اقتصاد است چراکه وقتی جمعیت فعال کمتر می‌شود، توان تولید و ظرفیت رشد اقتصادی کشور نیز کاهش می‌یابد. اقتصاد پویا نیازمند حضور بیشتر نیروی انسانی در چرخه کار و تولید است، هر چه سهم افراد غیرفعال بیشتر شود، فشار بر نیروی کار موجود نیز افزایش می‌یابد.

■ **چهره بخش‌های اقتصادی**

بررسی سهم اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصاد، تصویری نسبتاً آشنارانه می‌دهد. بخش خدمات یا سهمی حدود ۵۵٫۳ درصد، همچنان بزرگ‌ترین محل اشتغال ایرانیان است. پس از آن، صنعت با ۳۳ درصد و کشاورزی با ۴ درصد قرار دارند. این اعداد، گرچه تفاوت چندانی با سال‌های گذشته ندارند، اما از ادامه روند تغییر ساختار اشتغال در کشور حکایت دارند، یعنی حرکت تدریجی از مشاغل مولد در صنعت و کشاورزی به سمت خدمات.

این تغییر ساختار در بسیاری از کشورهای در حال توسعه طبیعی است، اما اگر با رشد به‌رهوری و افزایش

این روند، هشدار ی خاموش برای اقتصاد است چراکه وقتی جمعیت فعال کمتر می‌شود، توان تولید و ظرفیت رشد اقتصادی کشور نیز کاهش می‌یابد. اقتصاد پویا نیازمند حضور بیشتر نیروی انسانی در چرخه کار و تولید است، هر چه سهم افراد غیرفعال بیشتر شود، فشار بر نیروی کار موجود نیز افزایش می‌یابد.

■ **چهره بخش‌های اقتصادی**

بررسی سهم اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصاد، تصویری نسبتاً آشنارانه می‌دهد. بخش خدمات یا سهمی حدود ۵۵٫۳ درصد، همچنان بزرگ‌ترین محل اشتغال ایرانیان است. پس از آن، صنعت با ۳۳ درصد و کشاورزی با ۴ درصد قرار دارند. این اعداد، گرچه تفاوت چندانی با سال‌های گذشته ندارند، اما از ادامه روند تغییر ساختار اشتغال در کشور حکایت دارند، یعنی حرکت تدریجی از مشاغل مولد در صنعت و کشاورزی به سمت خدمات.

این تغییر ساختار در بسیاری از کشورهای در حال توسعه طبیعی است، اما اگر با رشد به‌رهوری و افزایش نرخ نسبت به تابستان پار سال ۰/۱ درصد کاهش یافته، اما همچنان بالاتر.

در گروه سنی گسترده‌تر، یعنی ۱۸ تا ۳۵ سال، نرخ

گفت‌وگوی «جوان» با فضل‌الله رنجبر، نماینده مجلس

واگذاری مدیریت شرکت‌های ذیل «شتتا» به نفع بازنشستگان است

مشکل می‌شود می‌ولی اگر بتوانیم منابع موجود و در اختیار تأمین اجتماعی را با سیردن به بخش خصوصی موفق تقویت کنیم به نفع تأمین اجتماعی است.

وی افزود: سرمایه‌گذاران یا سهامداران سازمان تأمین اجتماعی ما طبقه کارگر و انسان‌های زحمتکش هستند که باید راه آنها را رشد دهیم و کمک کنیم که سرپا بمانند. باید کمک کنیم چرخ‌های اقتصادی این واحدهای اقتصادی که متعلق به تأمین اجتماعی است، با امید بچرخد و امیدواری را در بین کارگران زحمتکش و ذی‌نفعان تقویت کنیم. این نماینده مجلس تأکید کرد: باید بخش خصوصی را تقویت و فعال کنیم و در واگذاری‌ها باید به اهلیت و سلامت کار توجه ویژه‌ای داشته باشیم اما در سازمان تأمین اجتماعی داستان متفاوت است. ذی‌نفعان در سازمان تأمین اجتماعی قشر زحمتکش و کارگر هستند و بازنشستگان، سهامداران صندوق‌های بازنشستگی هستند که واقعاً در معیشت دچار مشکلند. منافع بازنشستگان را باید ویژه ببینیم، کارخجانات و واحدهای تولیدی را که توانستند منابع مالی برای تأمین معیشت رفاهی و امور درمانی این قشر عزیز تأمین کنند نباید از دست داد بلکه باید آنها را تقویت و سعی کرد مسئله‌ای برای‌شان ایجاد نشود.

اهلیت‌سنجی شرکت‌های صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی دقیق صورت بگیرد و به سرمایه‌گذار متخصص واگذار شود، خیلی خوب جواب خواهیم گرفت. وی افزود: تجربه نشان داده مدیریت دولتی ما به جز در برخی موارد توفیقات چندانی نداشته است. امر بدیهی و علمی است که آنجا که منافع تعریف شده و بخش خصوصی فعال و اهل حضور داشته کارها به خوبی پیش رفته و بازنشستگان هم از منافع آن بهره‌مند شده‌اند. تأکید می‌کنم که در این واگذاری‌ها باید منافع ملت را نگاه کنیم و واگذاری برخی از شرکت‌ها را که می‌تواند در بزنگاه‌ها و در شرایط خاص و ویژه به داد مردم برسد ممنوع و باقی شرکت‌ها را به صورت عمومی عرضه کنیم.

سختگوی اجتماعی مجلس تصریح کرد: واگذاری برخی از این بنگاه‌ها که زیان‌ده هستند، به نفع سازمان تأمین اجتماعی است. اینکه بنگاه‌ها را کاملاً به دولت وابسته کنیم، خوب نیست، چون هم منضر می‌شود و هم بنگاه‌های اقتصادی که فعال و توانمند هستند و در طول ادوار خدمت خود سلامت و سوددهی را حفظ کرده‌اند، بی‌انگیزه می‌شوند. به نظر می‌توان با اجرای احکام برنامه هفتم کمک کرد که منابع ویژه تأمین اجتماعی را از دست ندهیم. اگر تأمین اجتماعی را به دولت وابسته کنیم بعداً دچار

رنجبر تأکید می‌کند: عملکرد بسیاری از این شرکت‌ها برای تأمین مایحتاج مردم در دفاع مقدس ۱۲ روزه نوعی مجاهدت بود و در شرایط خاص کشور مجموعه تولیدات شرکت‌های دارویی به امنیت کشور و خدمت‌رسانی مستمر به مردم کمک کردند، بنابراین آن واگذاری‌ها این بخش‌هایی که به سود مردم و صلاح شرکت‌هاست و عمومیت دارد باید مدنظر قرار گیرد ولی در واگذاری شرکت‌های راهبردی باید تجدید نظر کنیم، همچنین از اختیارات قانونی مجلس برای اصلاح برخی از مواد قانون برنامه هفتم پیشرفت استفاده کنیم تا هماهنگی‌های بین بخشی لازم در بخش‌هایی که مدیران می‌توانند بر مبنای تفسیر از اختیارات‌شان برای واگذاری‌ها استفاده کنند، انجام شود.

رنجبر درباره آورده‌های واگذاری مدیریت شرکت‌های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی و اثرات آن در سطح رفاه عمومی تصریح کرد: بررسی اقتصاد کشور‌های پرهور دنیا نشان می‌دهد، بخش خصوصی فعال، نقش مهمی در توسعه و رشد اقتصادی دارد. اگر ما بخش خصوصی فعال داشته باشیم و به‌اواختیارات و تسهیلات بدهییم و بستر و زمینه کار را برای بخش خصوصی تخصص فراهم کنیم، نتیجه بسیار خوب در این واگذاری‌ها می‌گیریم. از سوی دیگر اهلیت‌سنجی در واگذاری‌ها بسیار اهمیت دارد و وقت است

سختگوی کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به تکلیف قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت درباره حل مشکل ناترازی صندوق‌های تأمین اجتماعی و واگذاری شرکت‌ها و خروج از بنگاهداری گفت: واگذاری مدیریت شرکت‌های ذیل صندوق بازنشستگی تکلیف قانونی برنامه هفتم پیشرفت است و بنده‌ای در مواد ۱۲۸ و ۱۳۱ قانون بر واگذاری‌ها تأکید کرده اما نکته مهم این است که این واگذاری‌ها باید با دقت و در کمال سلامت انجام شود.

■ ■ ■

فضل‌الله رنجبر، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» تصریح کرد: این واگذاری‌ها حتی در سیاست‌های کلی نظام و اصل ۴۴ قانون اساسی هم مورد تأکید است اما باید ضمن اجرای قانون، حساسیت‌ها و حاشیه‌های واگذاری شرکت‌ها را مدنظر قرار داد. در بخش‌هایی از این واگذاری‌ها شرکت‌های راهبردی وجود دارد که منافعش به ملت برمی‌گردد، باید شرایط حساس و آینده را لحاظ کرد، مثلاً واگذاری شرکت‌های تولید دارو حساسیت‌های ویژه را می‌طلبد. صنایع دارویی کشور راهبردی است و واگذاری شرکت‌های راهبردی این حوزه نیازمند حساسیت و دقت است.

اصلاحیه آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله ای) شماره ۴۰۴/۷۷

شرکت تولید نیروی برق کرمان (به عنوان دستگاه مناقصه گزار) در نظر دارد مناقصه "بازسازی پره های ثابت توربین های گازی ۷94.2 نیروگاه سیکل ترکیبی شهید سپهبد سلیمانی کرمان" را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

- تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه : ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶**
- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه : ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳**
- آخرین مهلت بازگذاری اسناد مناقصه و پاکتهای پیشنهادی: تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۲**

- آخرین مهلت ارسال پاکت الف: تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳**
- زمان و محل بازگشایی پاکات مناقصه : ساعت ۸ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴**
- کرمان ، بلوار جمهوری اسلامی ، خیابان امام جمعه ، کوچه شماره ۱۶ ، پلاک ۳۶، شرکت تولید نیروی برق کرمان.**
- محل تحویل پاکات مناقصه : کرمان ، بلسوار جمهوری اسلامی ، خیابان امام جمعه ، کوچه شماره ۱۶ ، پلاک ۳۶ ، واحد تدارکات شرکت تولید نیروی برق کرمان.**

مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : مبلغ ۱۲،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال (دوازده میلیارد و پانصد میلیون ریال) می باشد، که می بایست به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۳۰۳۶۷۸۳۳۸۰۴۰۱۱۳۰۳ نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه سپرده شرکت تولید نیروی برق کرمان نزد خزانه ارائه گردد.

❖ به پیشنهادهایی که فاقد امضاء ، مشروط و مخدوش بوده و همچنین به پیشنهادهاتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود ،

مطلقاً اثر تیب اثر داده نخواهد شد.

❖ به پیشنهادهاتی که فاقد سپرده ، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک شخصی و نظایر آن باشند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج است.

نشانه آگهی: ۲۰۲۱۳۹۴